

ساختار حکمرانی بخش عمومی در اقتصاد سیاسی اسلامی

محمد جواد توکلی

دانشیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). قم. ایران.

Tavakoli@iki.ac.ir

چکیده

هنگامی که از ساختار حکمرانی بخش عمومی در اقتصاد سیاسی اسلامی سخن می‌گوییم به چگونگی سازمان‌دهی مدیریت انتخاب‌های عمومی نظر داریم. ساختار حکمرانی بخش عمومی در اقتصاد سیاسی متعارف متکی بر دموکراسی است. در ساختار حکمرانی دموکراتیک، مشکل انتخاب عمومی عمدتاً بر اثر مشکلات شناختی (اطلاعاتی) و انگیزشی رخ می‌دهد. مشکل شناختی به دلیل شناخت ناکافی رأی‌دهندگان از کاندیداها و همچنین تخصص ناکافی انتخاب‌شوندگان بروز می‌کند. مشکل انگیزشی نیز ریشه در تعارض منافع شخصی و منطقه‌ای با منافع عمومی دارد. در نظام حکمرانی بخش عمومی در اقتصاد سیاسی اسلامی می‌توان مشکلات انتخاب عمومی را با اتکا به نظام حکمرانی ولایی کاهش داد. در نظام حکمرانی ولایی، اتکا بر تقوای کارگزاران حکومتی و مدیریت فقیه عادل بانقوا و نیز قانون‌گذاری تخصصی زمینه بروز مشکلات شناختی و انگیزشی را کاهش می‌دهد. نکته مهم این است که چگونه ساختار نهادی تصمیم‌گیری براساس حکمرانی ولایی را طراحی کنیم که از مشکلات انتخاب عمومی کاسته شود. در این راستا، طراحی الگوی حکمرانی بخش عمومی در ایران با استفاده از راهبردهایی همچون تشکیل مجلس متخصصان و همچنین قاعده‌گذاری و ساختارسازی برای ایجاد ثبات در انتخاب‌های عمومی قابل طرح است.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی، حکمرانی ولایی، انتخاب عمومی، اقتصاد سیاسی ایران، مجلس شورای اسلامی.

۱. مقدمه

در حالی که تا چند سده پیش نظام دیکتاتوری الگوی غالب اکثر کشورهای جهان بود، این شیوه حکمرانی اکنون جای خود را به دموکراسی داده است. هرچند در نظام دیکتاتوری، حاکم از مزیت تمرکز در تصمیم‌گیری بهره‌مند است، در معرض خطر خودکامگی، عمل براساس خواسته‌های خویش و بی‌توجهی به دیدگاه دیگران است. در نظام دموکراسی، که به‌عنوان چاره‌ای برای این خودکامگی قلمداد شده است، سیاست‌مدار برای بقا در قدرت نیاز به توجه به خواست مردم و کسب رأی آن‌ها دارد. در نتیجه رفتار سیاست‌مدار تا حد زیادی کنترل خواهد شد.

هرچند انتخابات به‌عنوان اهرم نظارتی می‌تواند بر پاسخ‌گویی سیاستمداران مؤثر باشد، نظام حکمرانی مبتنی بر دموکراسی می‌تواند مشکلاتی همچون تلاش سیاستمداران برای استفاده از اهرم‌های اقتصادی برای افزایش مدت بقای خود یا حزبشان در قدرت ایجاد کند. یکی از جلوه‌های مهم بروز این مشکل تلاش نمایندگان مجلس برای کشاندن اعتبارات بودجه‌ای به منطقه خودشان است؛ تلاشی که الزاماً با منافع و مصالح ملی همگام نیست. دست‌کاری متغیرهای اقتصادی برای تأثیرگذاری بر انتخابات آتی نیز یکی از مصادیق این مشکل است که از آن با عنوان ادوار تجاری سیاسی (PBC) یاد می‌شود (پورکاظمی، درویشی و شهیکی تاش، ۱۳۸۶: صص ۱۴۰-۱۳۹).

در این مقاله ضمن تبیین مشکل انتخاب عمومی در الگوهای حکمرانی دموکراتیک (نظام رجوع به آرای عمومی با انتخاب اکثریت) بخش عمومی، به تجزیه و تحلیل ریشه‌های بروز این مشکل پرداخته می‌شود. در ادامه، این بحث نظری بر نظام حکمرانی بخش عمومی در اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران تطبیق داده می‌شود. بخش پایانی مقاله به تبیین نظام حکمرانی بخش عمومی در اقتصاد سیاسی اسلامی اختصاص دارد. بنابر فرضیه مقاله، نظام حکمرانی ولایی می‌تواند با کاستن از مشکلات شناختی و انگیزشی کارگزاران و مردم از مشکلات انتخاب عمومی در بخش عمومی کشور بکاهد.

۲. پیشینه تحقیق

بیش از هفت قرن پیش ابن‌خلدون به بررسی اثر تخریبی نظام سیاسی بر نظام اقتصادی پرداخته است. به نظر او، رواج نظام خلافت موروثی در جامعه اسلامی زمینه‌ساز افول تمدن اسلامی شد. این تخریب سیاسی به‌مثابه ماشه‌ای عمل کرد که منجر به تخریب نظام اقتصادی شد (chakra, 2008).

در ادبیات اقتصاد بخش عمومی و اقتصاد سیاسی، مطالعات گسترده‌ای در مورد مشکلات

اقتصاد سیاسی صورت گرفته است. اقتصاددانان نهادگرا همچون داگلاس نورث به رابطه متقابل عملکرد نظام سیاسی و اقتصادی توجه کرده‌اند. در نگاه نورث، تشکیلات سیاسی و اقتصادی به نحوی اجتناب‌ناپذیر به هم وابسته‌اند (نورث، ۱۳۹۳). آسم اغلو و رابینسون مشکل توسعه‌نیافتگی را با مشکلات سیاسی پیوند زده‌اند (آسم اغلو و رابینسون، ۱۳۹۲). به نظر بوکانان، توصیه‌های اقتصادی در ساختار نهاد سیاسی گرفته می‌شود (بوکانان، ۱۳۸۶)؛ از این رو، نهادهای اقتصادی را نباید بدون تفکر درباره نیروهای سیاسی ایجادکننده و کنترل‌کننده آن‌ها اداره کرد (آسم اغلو و رابینسون، ۱۳۹۲: ص ۲۸۹).

اقتصاددانان مشکلات اقتصادی سیاسی را عمدتاً در قالب مشکل انتخاب عمومی مطرح کرده‌اند. از نظر کنث ارو، مشکل انتخاب عمومی از آن جهت بروز می‌کند که امکان دستیابی به رأی اکثریت در انتخابات مشروط به شرایطی است که به ندرت محقق می‌شود. در این فضا با مشکل وقوع معمای کندرسه روبه‌رو می‌باشیم که در آن نتایج انتخاب جمعی متناقض و ناهمگون است (درازن، ۱۳۹۰: ص ۱۰۸).

در مورد مشکل انتخاب عمومی در اقتصاد سیاسی کشور و راه حل آن مطالعه چندانی صورت نگرفته است. در یکی از معدود مطالعات صورت گرفته، دین پرست با بررسی عملکرد نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۳، به برخی مشکلات اقتصادی از جمله تعارض منافع ملی و منطقه‌ای در تصمیم‌گیری‌های مجلس پرداخته است (دین پرست، ۱۳۹۵ الف). دین پرست و ساعی این تحلیل را از زاویه اثرگذاری ساختار پارلمانی بر توسعه بسط داده‌اند (دین پرست و ساعی، ۱۳۹۳). نتایج بررسی دین پرست نشان می‌دهد که در دوره‌های چهارم تا ششم مجلس شورای اسلامی، بیش از سه چهارم توجه نمایندگان به توزیع مواهب آن هم توزیع مواهب ملی در حوزه‌های انتخابیه معطوف بوده است (دین پرست، ۱۳۹۵ ب: ص ۱).

در زمینه الگوی حکمرانی مطلوب اسلام در بخش عمومی نیز مطالعات چندانی صورت نگرفته است. طرح آیت‌الله مصباح یزدی برای ایجاد مجلس تخصصی از معدود طرح‌های ارائه شده با رویکرد اسلامی است (مصباح یزدی، ۱۳۷۷). برخی اقتصاددانان داخلی راه حل مشکل را در ایجاد شواری عالی هماهنگی برای هماهنگ‌سازی تصمیم‌های اقتصادی دیده‌اند (درگاهی، ۱۳۹۷؛ پژوهان، ۱۳۸۵: صص ۱۴۸-۱۴۵). اشکال عمده این طرح در ضمانت اجرایی تصمیم‌های شورای عالی هماهنگی است. اینک شوراهای مشابهی همچون شورای پول و اعتبار در کشور وجود دارد، ولی این نهادها نتوانسته‌اند باعث ثبات در تصمیم‌گیری و حل مشکل تضاد منافع شوند.

در این مقاله با استفاده از ادبیات اقتصاد سیاسی و بخش عمومی و تطبیق آن بر مشکل انتخاب عمومی در اقتصاد سیاسی کشور تلاش می‌کنیم تا هم به فهم کامل تری از این مشکل دست یابیم و هم به سمت ارائه راهبردهایی برای حل آن پیش برویم.

۳. زمینه بحث از حکمرانی خوب در بخش عمومی

براساس ایده حکمرانی خوب که از دهه ۱۹۸۰ مطرح شد، مشکل توسعه نه مداخله کم یا زیاد دولت، بلکه کیفیت مداخله دولت است. حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود. بنا به تعریف بانک جهانی، حکمرانی روشی است که براساس آن قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال می‌شود (امام‌قلی پور و آسمانه، ۱۳۹۵: ص ۹۴).

ایده حکمرانی خوب مبتنی بر یک نظریه درباره شیوه مطلوب تنظیم امور اقتصادی جامعه توسط دولت است. بانک جهانی حکمرانی خوب را براساس شاخص‌های حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، کارایی و اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد تعریف می‌کند (همان).

یکی از مسائل مغفول در مباحث حکمرانی خوب چگونگی تنظیم رابطه میان حکومت و شهروندان برای کاستن از مشکلات انتخاب عمومی است.

۴. مشکل انتخاب عمومی در ساختار حکمرانی دموکراتیک

ساختار حکمرانی دموکراتیک علی‌رغم مزایایش، در معرض خطر بروز مشکل انتخاب عمومی (انتخاب ناسازگار با منافع عمومی) قرار دارد. مشکل زمانی بروز می‌کند که سیاستمداران برای بقا در قدرت اقدام لابی‌گری سیاسی و اقتصادی می‌کنند. چانه‌زنی نمایندگان مجلس با دولتمردان برای جذب بودجه به حوزه انتخابیه خود برای افزایش احتمال رأی‌آوری در دوره‌های بعدی جلوه‌ای از مشکل است. دولتمردان نیز ممکن است برای موفقیت در انتخابات آتی اقدام به دست‌کاری در متغیرهای اقتصادی کنند تا مردم را برای رأی‌دادن به خود یا حزیشان ترغیب کنند (اسنودن و هوارد، ۱۳۹۲: صص ۵۸۰-۵۴۴).

۵. دلایل بروز مشکل انتخاب عمومی در ساختار حکمرانی دموکراتیک

در مباحث سنتی اقتصاد سیاسی، سیاستمداران به‌عنوان برنامه‌ریزان اجتماعی خیرخواه و

همه چیزدان تلقی می‌شوند که در پی بیشینه‌کردن رفاه اجتماعی هستند. در رویکردهای جدید، نسبت به خیرخواه بودن سیاستمداران و همچنین، اطلاعات کامل فعالان فضای رقابت‌های سیاسی تردید و نظریات و مدل‌های مختلفی در تبیین مشکل انتخاب عمومی ارائه شده است (Frey, 1987).

نظریه پردازان اقتصاد سیاسی با بسط نظریه‌ها و مدل‌های مختلف به تبیین مشکلات شناختی و انگیزشی انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در فضای اقتصاد سیاسی پرداخته‌اند که در ادامه تشریح می‌شود.

۶. نظریه‌های پنج‌گانه در تبیین مشکل انتخاب عمومی

در ادبیات اقتصاد سیاسی پنج نظریه یا مدل متفاوت برای تبیین دلایل بروز مشکل انتخاب عمومی در بخش عمومی مطرح شده است. در رویکرد اقتصاد کلان سیاسی قدیم، فرض می‌شود که انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان رفتاری غیرعقلایی دارند و همین امر زمینه مشکل انتخاب عمومی را فراهم می‌کند. طرفداران رویکرد اقتصاد کلان سیاسی جدید با پذیرش فرض عقلانیت فعالان فضای سیاسی، به توضیح مشکل مزبور می‌پردازند. در رویکرد ترکیبی اقتصاد کلان سیاسی به عقلانیت و رفتار ایدئولوژیک فعالان سیاسی توجه شده است.

الف- نظریه فرصت‌طلبی غیرعقلایی

به نظر نوردهاوس (۱۹۷۵)، سیاستمداران طی دوره تصدی خود سیاست‌های اقتصادی را به گونه‌ای برمی‌گزینند تا محبوبیت خود را در آستانه انتخابات بعدی بیشینه کنند. تأثیرپذیری رأی‌دهندگان از عملکرد اقتصاد دولت قبل از انتخابات، سبب و سوسه مسئولان به دست‌کاری اقتصادی برای افزایش احتمال انتخاب در آستانه انتخابات می‌شود.

ب- نظریه رفتار حزبی قوی

هییس (۱۹۷۷) رأی‌دهندگان و سیاستمداران را به عنوان هم‌حزبی و هم‌ایدئولوژی در نظر می‌گیرد. سیاستمداران برنده شدن در انتخابات را ابزاری برای تحقق برنامه‌های حزب خود می‌دانند. رأی‌دهندگان ناهمگن نیز رجحان‌های اقتصادی متفاوتی دارند.

ج- نظریه فرصت‌طلبی عقلایی

از نظر روگف و سیرت (۱۹۸۸)، رأی‌دهندگان به‌شکلی عقلایی به افرادی رأی می‌دهند که منافع آن‌ها را به بهترین شکل تأمین کنند. با وجود این، آنان با مشکل کمبود اطلاعات درباره صلاحیت سیاستمداران مواجه هستند. رأی‌دهندگان، اطلاعات در مورد صلاحیت سیاست‌گذاران را از طریق مشاهده نتایج کارشان کسب می‌کنند؛ بنابراین، قبل از انتخابات، متصدیان وارد یک «فرایند علامت‌دهی» می‌شوند که هدف از آن متقاعدکردن رأی‌دهندگان به شایستگی دولت مستقر است.

د- نظریه رفتار حزبی عقلایی

آلسینا (۱۹۸۷) با ابتنای این نظریه بر فرض عقلانیت رأی‌دهندگان نشان می‌دهد که چگونه حزب‌ها به دلیل تأثیر استراتژی‌های مختلف بر بازتوزیع درآمد، رویکردهای اقتصاد کلان متفاوتی را دنبال می‌کنند. بنابر فرض او، چون رأی‌دهندگان از این تفاوت‌های ایدئولوژیک بین احزاب آگاه هستند، حزب در مسند قدرت پیش از انتخابات، سیاست اقتصادی را اجرا می‌کند که در کوتاه‌مدت انتظار رأی‌دهندگان را برآورده کند.

ه- نظریه رفتار فرصت‌طلبانه و حزبی

فرای و اشنایدر (۱۹۷۸) با ترکیب دیدگاه‌های پیشین، وجود توأم رفتارهای فرصت‌طلبانه و حزبی را در سیاستمداران می‌پذیرند. از نگاه ایشان، رفتار واقعی سیاستمداران پیش از انتخابات به مزاد محبوبیت آن‌ها در آرا وابسته است. اگر محبوبیت دولت مستقر قبل از انتخابات زیر سطح بحرانی باشد، رفتار فرصت‌طلبانه به رفتار حزبی تغییر می‌یابد. اما دولت مستقر با مزاد محبوبیت، به‌صورت ایدئولوژیک رفتار می‌کند (اسنودن و هوارد، ۱۳۹۲: صص ۵۸۰-۵۴۴).

۷. مشکلات شناختی و انگیزشی انتخاب‌کنندگان و منتخبان

در نظریه‌ها و مدل‌های تبیینی مشکل انتخاب عمومی به‌صورت ضمنی به مشکلات شناختی و انگیزشی رأی‌دهندگان و منتخبان توجه شده است.

الف- مشکل شناختی (اطلاعاتی)

رأی‌دهندگان در فضای رقابت‌های انتخاباتی به‌طور معمول شناخت کاملی از کاندیدها ندارند؛ زیرا کسب اطلاعات کامل زمان‌بر و پرهزینه است (Milner, 1996: p 555). آن‌ها حتی درک

درستی از اثر عملکرد نماینده منتخب بر وضعیت خویش ندارند (نورث، ۱۳۷۷: ص ۱۷۳). همچنین، چون اثر یک رأی در نتیجه انتخابات چندان زیاد نیست افراد ممکن است نسبت به دادن رأی آگاهانه بی‌اعتنا شوند (Gwartney & Stroup, 1987: pp 695-699). نقص اطلاعات رأی‌دهندگان موجب نزدیک‌بینی سیاستمداران می‌شود؛ از این رو، آنان بیشتر به سمت اجرای سیاست‌هایی کشیده می‌شوند که منافع فوری و قابل تشخیص داشته باشد، ولی هزینه‌های آتی آن به دشواری قابل تشخیص باشد (همان).

در سوی دیگر، منتخبان در انتخابات نیز شناخت کاملی از انتظارات رأی‌دهندگان ندارند. گذشته از آن اینکه در فضای رقابت‌های انتخاباتی ممکن است افرادی انتخاب شوند که صلاحیت‌های علمی کافی نداشته باشند.

ب - مشکل انگیزشی

در فضای رقابت سیاسی، رأی‌دهندگان هنگام رأی‌دادن عمدتاً منافع شخصی و منطقه‌ای را بیش از منافع ملی مورد توجه قرار می‌دهند. کاندیداها نیز تحت تاثیر فشار رقابت انتخاباتی به سمت برآورده کردن منافع منطقه‌ای تمایل بیشتری دارند؛ چراکه این کار امکان انتخاب مجدد آنان را تقویت می‌کند (بوکانان و تالوک، ۱۳۹۴: ص ۴۰).

افزایش رقابت در فضای سیاسی تنها زمانی منافع فردی را در خدمت منافع عمومی قرار می‌دهد که شرایطی همچون شفافیت اطلاعات و پایین بودن هزینه کسب اطلاعات (صفر بودن هزینه معاملات) برقرار باشد (Kalt & Zupan, 1984). چنین فضای رقابتی در دنیای اقتصاد و سیاست به ندرت محقق می‌شود. غفلت عقلایی موکلان در بسیاری از حالت‌ها، ادراک ذهنی ناقص را، که نقش مهمی در انتخاب ایفا می‌کند، افزایش می‌دهد. موکل مطلع ممکن است واقعاً منافع خودش را به هنگام تصمیم‌گیری درباره مسائل تکراری تشخیص دهد؛ اما حتی موکل آگاه نیز به هنگام تصمیم‌گیری در مورد مسائل غیرتکراری و پیچیده دنیای به هم مرتبط سیاست و اقتصاد، دچار سردرگمی می‌شود (نورث، ۱۳۷۷: ص ۹۱).

۸. مشکلات انتخاب عمومی در اقتصاد سیاسی ایران

نظام حکمرانی بخش عمومی در جمهوری اسلامی ایران که در زمره نظام‌های دموکراتیک از نوع نظام‌های مردم‌سالاری دینی قرار می‌گیرد نیز در معرض مشکلات انتخاب عمومی قرار دارد. در این ساختار نیز رأی‌دهندگان و منتخبان با مشکل شناختی (اطلاعاتی) و انگیزشی روبه‌رو هستند.

در این فضا، انگیزه‌های فردی و منطقه‌ای می‌تواند بر انگیزه‌های ملی غلبه کند. افق کوتاه‌مدت رأی‌دهندگان و سیاستمداران موجب می‌شود سیاست‌گذاری با منافع آتی و آثار منفی آتی ترجیح داده شود (توکلی، ۱۳۸۰: ص ۳۳۱).

نمایندگان برای جلب منابع به حوزه انتخابیه خودشان به دولت فشار می‌آورند. این اقدام زمینه افزایش طرح‌های نیمه‌کاره فاقد کارشناسی را فراهم کرده است (خضری ورنانی، ۱۳۸۳: ص ۷۴). شواهد آماری نشان می‌دهد که بیش از ۵۳ درصد فرودگاه‌های کشور غیراقتصادی بوده و ۳۱ درصد آن‌ها خارج از ضوابط برنامه ساخته شده‌اند. از ۱۱ هزار طرح عمرانی که در سال ۱۳۷۶ در کشور در دست اجرا بوده، نیمی از آن‌ها فاقد توجیه اقتصادی است (خضری، ۱۳۸۷: صص ۶۸-۶۷). وجود ۷۰ هزار پروژه ناتمام در سطح کشور (۷۵۰۰ پروژه ملی و مابقی استانی) تا حدودی نتیجه لابی‌گری‌های موجود در فضای اقتصاد سیاسی کشور است (قربانی، ۱۳۹۶).

بررسی عملکرد نمایندگان مجلس شورای اسلامی در طول برنامه‌های اول تا سوم توسعه منابع به صورت منطقه‌ای و ملی (در جهت تأمین کوتاه‌مدت رضایت رأی‌دهندگان) و ۹ درصد مربوط به افزایش درآمد ملی و سرمایه‌گذاری (افق بلندمدت) بوده است (دین‌پرست، ۱۳۹۵: ص ۳۹). نمایندگان، به دلیل ترس از واکنش منفی مردم در انتخابات بعدی، از تصویب یا ارائه طرح‌هایی علی‌رغم ضرورت جدی برای آینده کشور (مانند مدیریت مصرف آب یا حامل‌های انرژی با اصلاح قیمت) طفره می‌روند.

جدول ۱. عملکرد نمایندگان مجلس طی برنامه‌های اول تا سوم توسعه (دین‌پرست، ۱۳۹۵ الف)

مقوله‌ها	درصد	توضیح
عملکرد جامعه	۳٪	مقوله‌هایی که مستقیماً در حوزه مسئولیت‌های دولت قرار نداشتند.
عملکرد تنظیمی	۱۳٪	اعمال کنترل سیاسی بر رفتار گروه‌های جامعه و سیاست‌های خارجی
عملکرد نمادین	۱٪	مواردی چون ارائه الگوهای الهام‌بخش، سخنرانی‌های سیاسی، تعطیلات، مراسم، یادبودها.
تأمین منابع	۱٪	تلاش نمایندگان برای افزایش منابع جهت توزیع یا سرمایه‌گذاری (افق بلندمدت)
توزیع منابع به صورت منطقه‌ای	۵۳٪	تلاش برای توزیع منابع در سطح منطقه‌ای (حوزه انتخابیه) جهت رضایت زود هنگام و منطقه‌ای رأی‌دهندگان

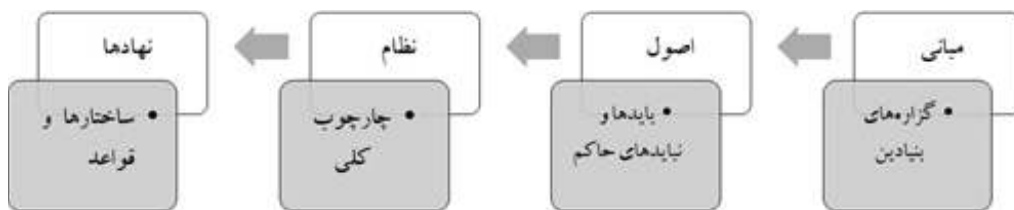
توزیع منابع به صورت ملی	۲۰٪	تلاش برای توزیع منابع در سطح ملی جهت رضایت زود هنگام رأی دهندگان
سرمایه گذاری	۸٪	تلاش برای سرمایه گذاری منابع برای سودآوری در افق بلندمدت
جمع	۱۰۰٪	

تلاش نماینده برای جذب حداکثر منابع ملی جهت افزایش رفاه منطقه در حالی است که اختیارات قانونی نماینده در امور اجرایی زیاد نیست؛ از این رو، نماینده برای حفظ منافع حوزه انتخابیه خود ممکن است مجبور به استفاده از اهرم های فشار بر دولت و وزرا (همانند سؤال و استیضاح) شود و دست به معامله با آنان بزند. در ساختار سیاسی موجود نماینده برای اجرای یک طرح در حوزه انتخابیه اش درگیر لابی گری و معامله با وزارتخانه ها می شود (باهنر، ۱۳۹۶). دولت نیز در مواردی برای رسیدن به نتایج مطلوب خود در مجلس، طرح های عمرانی را به گروگان گرفته و نماینده را وادار به متابعت از خود می کند.

از دیگر معایب ساختاری در انتخابات مجلس کشور این است که نمایندگان از ابتدا برای یک کمیسیون خاص انتخاب نمی شوند؛ بنابراین، تخصص ایشان در یک حوزه علمی ملاکی برای تأیید صلاحیت آن ها نیست. به همین دلیل معمولاً بخش قابل توجهی از اعضای هر کمیسیون از نمایندگان تشکیل شده است که یا فاقد تخصص مرتبط هستند، یا تخصص آن ها در سطح بالایی نیست. در نتیجه خروجی کمیسیون های تخصصی آنچنان هم تخصصی نیست. هر چند طرح ها و لوایح در کمیسیون های تخصصی مجلس بررسی می شوند، رأی نهایی در صحن عمومی مجلس گرفته می شود. در این فضا ممکن است در صحن عمومی رأی خلاف کمیسیون تخصصی داده شود؛ چراکه عموم نمایندگان توان تحلیل اثرات قوانین یا مقررات را به صورت تخصصی ندارند.

۹. نظام حکمرانی بخش عمومی در اقتصاد اسلامی

با توجه به آنچه گفته شد، این سؤال قابل طرح است که نظام حکمرانی بخش عمومی در اقتصاد اسلامی چگونه باید شکل بگیرد تا از مشکلاتی همچون مشکل انتخاب عمومی در امان بماند؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید به بررسی مبانی حکمرانی بخش عمومی در اقتصاد اسلامی و اصول حاکم بر آن پرداخت. در ادامه، نظام حکمرانی بخش عمومی در اقتصاد اسلامی حاکی از چگونگی تدبیر اقتصادی، متکی بر مبانی و اصول طراحی و با توجه به اقتضائات زمان و مکان برای آن نهادسازی می شود.



شکل ۱. مؤلفه‌های الگوی حکمرانی بخش عمومی در اقتصاد سیای اسلامی

۱۰. مبانی نظام حکمرانی بخش عمومی در اقتصاد سیاسی اسلامی

مبانی نظام حکمرانی بخش عمومی در اقتصاد سیاسی اسلامی به مثابه پیش فرض‌های بنیادین (خارج از نظریه) نسبت به معرفت، هستی و ارزش است که نظام مبتنی بر آن است و به شرح زیر است.

الف - هویت ترکیبی نظام حکمرانی بخش عمومی

نظام حکمرانی بخش عمومی هویتی ترکیبی دارد؛ این نظام از یک سو هویتی اسلامی و از سوی دیگر، هویتی بومی دارد. هویت اسلامی نظام عمدتاً متکی بر بینش‌ها و ارزش‌های اسلامی قابل استنباط از منابع اسلامی یعنی کتاب و سنت است.

هویت بومی نظام حکمرانی نیز به اقتضانات زمانی و مکانی آن وابسته است. این جنبه از نظام حکمرانی اقتصاد سیاسی اسلامی ناظر به منطقه الفراغ اقتصاد اسلامی است که در آن می‌توان به نهادسازی (طراحی ساختار و قانون‌گذاری) براساس مصالح و اقتضانات بومی پرداخت؛ از این رو، ممکن است بتوان برای کشورهای مختلف اسلامی نهادسازی‌های متفاوتی انجام داد که وجه مشترک آن‌ها هویت اسلامی و ابعاد مشترک بومی است.

ب- ربوبیت تکوینی و تشریحی

اسلام با رد دئیسم، ربوبیت تکوینی و تشریحی خداوند را مطرح می‌کند. ربّ از منظر قرآن کریم آن موجودی است که اصل وجود اشیا، بقا و هدایت ایشان به سوی غایت و کمالشان به دست او است (ولایت تکوینی، ۲۰۲۱). ربوبیت خداوند شامل و کامل است (مائده: ۶۴). ربوبیت تکوینی به مفهوم تدبیر تمامی مخلوقات و رسیدگی به شئون آن‌ها و تأمین نیازهایشان است. ربوبیت تشریحی به هدایت و راهنمایی موجودات شعورمند و مختار اختصاص دارد؛ اعم از آنکه با وسایل درونی مانند عقل و سایر قوای ادراکی و یا با وسایل بیرونی مانند ارسال پیامبران، فرستادن کتب آسمانی،

تعیین وظایف و تکالیف و جعل احکام و قوانین باشد (مصباح یزدی، بی تا: ص ۸۴).
 ربوبیت/ولایت تشریحی به معنای تنظیم و تدبیر شئون فرد و جامعه در همه ابعاد زندگی از طریق جعل قانون و حکم (سبحانی، ۱۴۰۷ق.: ص ۲۱) مخصوص خداست (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ص ۱۲۴؛ حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۱: ص ۶۰). خداوند در آیات ۲۵۷ سوره بقره، ۶۸ آل عمران، ۱۹ جاثیه و ۳۶ احزاب به ولایت تشریحی اشاره کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق.: ص ۱۸۲۰). او با جعل قوانین، انسان‌ها را از ظلمت گناه به نور اطاعت هدایت می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ص ۴۳۴).

ج- عقلانیت قابل تکامل

در رویکرد اسلامی به ضعف‌های شناختی، انگیزشی و ارادی انسان در فضای انتخاب‌های فردی و عمومی توجه شده است. اسلام تلاش کرده با استفاده از نوعی تربیت توحیدی و ایجاد ساختارها و قواعد مناسب از مشکلات انتخاب عقلایی بکاهد. در تربیت توحیدی، تلاش می‌شود تا مشکلات عقلانیت بشر با تهذیب افراد جامعه کاهش یابد. این رویکرد در حوزه فعالیت‌های اقتصادی با تأکید بر مقولاتی همچون رزق، لقمه حلال و طیب پیگیری می‌شود. در رویکرد اسلامی حتی گرفتن زکات هم در وهله اول با هدف تهذیب افراد گرفته می‌شود (توبه: ۱۰۳).
 ساختارسازی و قاعده‌گذاری نهادی اسلام نیز در راستای تقویت قدرت عقلانیت آحاد جامعه است. نهاد امر به معروف و نهی از منکر یکی از نهادهای اجتماعی اسلام است که در مسیر تقویت عقلانیت جامعه ایجاد شده و به مثابه تلنگری به افراد برای تصحیح خطاهای خود عمل می‌کند.
 اسلام با قاعده‌گذاری خاص خود، تقوا را به عنوان یکی از شرایط والایان و در رأس آن ولی فقیه برمی‌شمرد. این ضابطه به عنوان قاعده‌ای کنترل‌کننده برای مشکلات انگیزشی حکمرانان عمل می‌کند. فرد باتقوا و خداترس، فردی خیرخواه است که مصالح اجتماعی جامعه اسلامی را فدای مصالح فردی و حزبی نمی‌کند. نیروی قوی تقوای اقتصادی که متکی بر مبانی توحیدی است، حاکمان را از افتادن در ورطه نفع‌طلبی و تضييع مصالح جامعه بازمی‌دارد. این رویکرد منجر به تقویت قدرت انتخاب عقلایی و رفتن به سمت نوعی عقلانیت رو به تکامل است.

د- ارزش غایی حیات طیبه و قرب الهی

براساس مبانی ارزش‌شناختی اقتصاد اسلامی، هدف غایی نظام حکمرانی بخش عمومی حاکمیت ارزش‌های اسلامی و زمینه‌سازی برای تشکیل حیات طیبه به منظور دستیابی آحاد بشر به کمال خویش و همان قرب الهی است.

با توجه به مسئولیت دولت اسلامی برای نهادینه کردن ارزش‌های اسلامی در جامعه، حکمران بخش عمومی اسلامی، نه دولت نگهبان یا دولت رفاه، بلکه دولت اقامه دین است. دولت اقامه دین علاوه بر داشتن مسئولیت‌های اقتصادی در زمینه تأمین عادلانه معیشت مردم، مسئولیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیز دارد. در این مسیر اهداف اقتصادی ارزشی ابزاری و مقدماتی برای ارزش‌های والاتر و به‌ویژه هدف غایی حاکمیت ارزش‌های اسلامی دارد.

۱۱. اصول حاکم بر نظام حکمرانی بخش عمومی در اقتصاد سیاسی اسلامی

با توجه به مبانی گفته‌شده و رهیافت‌های موجود در منابع اسلامی، اصولی بر نظام حکمرانی بخش عمومی در اقتصاد سیاسی اسلامی حاکم است. با بررسی منابع اسلامی می‌توان اصول زیر را مطرح کرد:

الف - اصل ولایت صالحان

در فلسفه سیاسی اسلام حق حاکمیت از آن خداست که از طریق انبیا در جامعه اسلامی به اجرا درمی‌آید. پس از انبیا، ولایت (حق حاکمیت) به اوصیای ایشان یعنی ائمه معصومین منتقل می‌شود. در زمان غیبت، ولایت فقیه جامع شرایط جایگزین ولایت ائمه خواهد بود. در جمهوری اسلامی ایران، ولی فقیه این حق را از طریق سازوکار تفویض و شورای نگهبان به مردم واگذار می‌کند.

ب - اصل مشارکت عمومی

در رویکرد اسلامی، مشارکت مردم در امور سیاسی در سایه هدایت ولایت (مردم‌سالاری ولایی)، اصلی پذیرفته‌شده است. مردم براساس «الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» و «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» باید بر کلیه نهادهای قدرت، نظارت داشته و از باب «النَّصِيحَةُ لِأئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ» از وقوع انحراف پیشگیری کنند (صدر، ۱۳۹۹: صص ۱۶۲-۱۶۱).

ج - اصل تخصص‌گرایی

در آیات قرآن مجید تأکید زیادی بر مشورت و رجوع به متخصص شده است (آل عمران: ۱۵۹؛ شوری: ۳۸). در روایات معصومین (علیهم‌السلام) نیز به ضرورت وجود تخصص و تعهد در افراد مورد مشورت توجه شده است. پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرمایند: با دانشمندان نیکوکار مشورت کنید (تستری، ۱۴۲۳: ص ۲۸). امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز

می‌فرمایند: بهترین انسان برای مشورت کسی است که با بصیرت (عاقل)، عالم (دانشمند)، با تجربه و هوشیار (محتاط) است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ص ۴۴۲، حدیث ۱۰۷۶). از نگاه ایشان، مشورت با نادان نابودی مشورت‌گیرنده را در پی دارد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ص ۷۳، حدیث ۱۱۱۷). امام صادق (علیه‌السلام) نیز می‌فرماید: در کارهایت با افرادی با پنج ویژگی عقل، علم، تجربه، خیراندیشی و خداترسی مشورت کن (جعفر بن محمد، ۱۴۰۰: ص ۱۵۲).

ه- اصل کارایی و نظارت

همچنان‌که اسلام به واگذاری مسئولیت‌ها به افراد با کفایت توصیه می‌کند، بر لزوم نظارت بر عملکرد مسئولان تأکید دارد. بنابر نقل امام رضا (علیه‌السلام)، هرگاه رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) سپاهی را برای مأموریت می‌فرستاد و فرماندهی برای آن تعیین می‌کرد، برخی از افراد موثق و مورد اعتماد خود را بر او می‌گماشت تا رفتارشان را زیر نظر بگیرند و گزارش کنند (الحمیری القمی، ۱۴۱۳: ص ۱۴۸). امام علی (علیه‌السلام)، به مالک اشتر توصیه می‌کند که بر کارگزاران حکومت مأمور مخفی بگمارد (نهج‌البلاغه: نامه ۵۳).

و- اصل مسئولیت‌پذیری و مقبولیت

در نظام سیاسی اسلامی مقبولیت مردمی نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در منابع دینی تأکید فراوانی بر ضرورت توجه کارگزاران حکومتی به مردم و لزوم پاسخگویی شده است. پیامبر اعظم می‌فرماید: بدانید که همه شما مسئول هستید و همه شما نسبت به زیردستان خود بازخواست می‌شوید (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۲: ص ۳۸). این تأکیدها از سویی ناظر به اهمیت توجه دولتمران به مشکلات عمومی و تلاش برای رفع آن و از سوی دیگر، حاکی از ضرورت حفظ مقبولیت حکومت اسلامی بین مردم است.

۱۲. نظام حکمرانی بخش عمومی در اقتصاد سیاسی اسلامی

با توجه به مبانی و اصولی که گفته شد، نظام مطلوب حکمرانی در بخش عمومی، به‌واسطه استفاده از ظرفیت مشارکت مردم و ولایت صالحان، نوعی نظام حکمرانی ولایی است. در این نظام، شبکه حکمرانی از ولایت خداوند بر مخلوقات آغاز می‌شود؛ با ولایت پیامبران، امامان و صالحان بر مؤمنان استمرار می‌یابد و در نهایت، حتی به ولایت والدین بر فرزندان می‌رسد. ولی به‌عنوان فردی دلسوز و متعهد، قدرتی معنوی پیدا می‌کند تا در سایه اقتدارش منافع فرد و جامعه تأمین شود. این

سرمایه معنوی همواره در معرض تهدید است؛ ولایت طاغوت می‌تواند به‌جای ولایت الهی بنشیند و نظام اسلامی را دچار تزلزل کند.

در رأس شبکه نظام حکمرانی ولایی، ولایت خداوند بر مخلوقاتش قرار دارد (بقره: ۲۵۷). در آیات قرآن کریم از ولایت عام خداوند (انعام: ۷۰؛ توبه: ۱۱۶؛ یوسف: ۱۰۱؛ رعد: ۳۷؛ کهف: ۲۶؛ عنکبوت: ۲۲؛ سجده: ۴ شوری: ۹، ۲۸ و ۳۱) و ولایت خداوند بر مؤمنان (بقره: ۲۵۷؛ آل عمران: ۶۸) سخن به‌میان آمده است. پس از ولایت خداوند بر هستی، ولایت پیامبران، امامان و فقها مطرح شده است. خداوند اطاعت از رسول و اولی الامر را پس از اطاعت از خداوند واجب می‌داند (نساء: ۵۹).

در نظام حکمرانی ولایی، ولی فقیه به‌عنوان راهبر توسعه و پیشرفت جامعه اسلامی نقشی اساسی در کاستن از مشکلات انتخاب عمومی دارد. وی تلاش می‌کند با سیاست‌گذاری و ریل‌گذاری مناسب، زمینه را برای انتخاب‌های عقلایی در اداره بخش عمومی فراهم کند.

۱۳. الگوی پیشنهادی حکمرانی بخش عمومی در اقتصاد سیاسی ایران

الگوی حکمرانی ولایی با توجه به شرایط زمان و مکان به گونه‌های مختلف قابل پیاده‌سازی است. برای عملیاتی کردن این الگو باید بتوان خرد جمعی متخصصان متعهد را در کنار مشارکت عمومی در خدمت نظام تصمیم‌گیری کشور قرار داد و نوعی ثبات در تصمیم‌گیری به‌ویژه تصمیم‌گیری‌های کلان بخش عمومی ایجاد کرد. بر این اساس، ولی فقیه به‌عنوان شخصیتی که خیرخواه جامعه اسلامی است باید بتواند با بهره‌گیری از نظام علمی کشور زمینه ثبات و استحکام در انتخاب‌های عمومی مناسب را ایجاد کند.

تنها مشکل موجود این است که بین صلاح‌دیدهای ولی فقیه و انتخاب‌های ارکان بخش عمومی می‌تواند شکاف بیفتد. برای نمونه، هر چند مقام معظم رهبری در دهه اخیر، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را به‌عنوان نسخه شفابخش اقتصاد ایران ابلاغ کردند، در عمل بدان توجه نشده است.

با توجه به اینکه ولی فقیه در پی منافع عمومی است و بر توان کارشناسان صالح اتکا می‌کند، در موارد ایجاد تزاخم، قاعدتاً دیدگاه وی مقدم است و باید ملاک تصمیم‌گیری قرار گیرد. برای حرکت در این مسیر باید با آسیب‌شناسی زمینه‌های گسست نظام تصمیم‌گیری و حکمرانی اقتصاد سیاسی کشور، هم ساختار حکمرانی را بهبود داد و هم قواعد حاکم بر آن را ترسیم کرد.

۱۴. ساختار پیشنهادی حکمرانی بخش عمومی در اقتصاد سیاسی ایران

طراحی الگوی حکمرانی بخش عمومی در اقتصاد سیاسی کشور مستلزم طراحی ساختارها و نهادهای تصمیم‌گیری (ساختار تدبیر امور) مشتمل بر ساختارهای ثبات‌ساز، قانون‌گذاری و نظارت و ساختارهای اجرایی است. ساختارهای ثبات‌ساز عهده‌دار ایجاد ثبات در نظام تصمیم‌گیری بخش عمومی براساس مصالح عمومی است. ساختارهای قانون‌گذاری، نظارت و اجرا نیز انتخاب‌های عمومی در قالب وضع قانون، اجرا و نظارت بر آن را عملی می‌کنند.

در کنار ساختارها که بُعد سازمانی نظام حکمرانی را تشکیل می‌دهد، قواعد حکمرانی به‌مثابه بُعد نرم‌افزاری نظام حکمرانی عمل می‌کند. قواعد حکمرانی بخش عمومی دستورالعمل‌هایی برای تنظیم نظام حکمرانی در چهارچوب ساختارهای ایجادشده است.

الف - ساختارهای ثبات‌ساز

یکی از مسائل مهم در الگوی حکمرانی بخش عمومی ایجاد ثبات و پایداری در نظام تصمیم‌گیری و انتخاب براساس مصالح عمومی است. الگوی حکمرانی بخش عمومی باید بدین‌گونه باشد که با تغییرات سیاسی، تصمیم‌ها دستخوش تحولات پی‌درپی نشود و سیاست‌های بلندمدت صحیح توسط تمامی حکمرانان دنبال شود.

برای دستیابی به این هدف باید نهادهایی را در نظام حکمرانی بخش عمومی ایجاد یا تقویت کرد که مسئولیت سیاست‌گذاری کلان و بلندمدت بخش عمومی را بر عهده داشته باشند؛ نهادهایی که اختیارات کافی برای اجرای دائمی این سیاست‌ها و نظارت بر اجرای آن‌ها را داشته باشند. در این راستا می‌توان اقدام به ایجاد شورای سیاست‌گذاری نظام حکمرانی کشور به‌عنوان بازوی فکری و اجرایی ولی فقیه کرد. این شورا مکلف است که تنظیم‌گر دائمی فعالیت‌های قوای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضاییه باشد. این شورا می‌تواند حتی نسبت به نهادهایی همچون مجمع تشخیص مصلحت نظام و تعیین روابط آن با مجلس و شورای نگهبان نیز کارکردی تثبیتی داشته باشد.

هم‌اکنون شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا برای هماهنگی بین تصمیم‌های سه قوه ایجاد شده است؛ ولی این شورا نتوانسته کارکردی تثبیتی داشته باشد. این شورا دارای بدنه تحقیقی و علمی نیست که بتواند تصمیم‌سازی باثبات و بلندمدت انجام دهد و گاهی تصمیم‌های آن موقعیتی و براساس مصلحت‌سنجی‌های زودگذر و غیرکارشناسی است. برای ترمیم این شورا می‌توان نماینده‌ای از ولی فقیه و نمایندگان از سوی مجمع تشخیص و شورای نگهبان را بدان افزود. ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی نیز با مشکل مشابهی روبه‌رو است.

ب- ساختار قانون‌گذاری و نظارت

ساختار قانون‌گذاری و نظارت در الگوی حکمرانی ولایی (ولایت صالحان) باید به‌گونه‌ای باشد که بتوان از مشکلات شناختی (اطلاعاتی) و انگیزشی در فرایند وضع قوانین و نظارت بر اجرای آن کاست. در این زمینه راهبردهایی همچون ایجاد مجلس تخصصی نخبگانی، تقویت احزاب و تشکیل کمیسیون‌های تخصصی نخبگانی قابل طرح است.

اول: مجلس تخصصی نخبگانی

یکی از راهبردهای حل مشکل انتخاب عمومی در کشور، رفتن به سمت مجلس تخصصی نخبگانی متشکل از کمیسیون‌هایی تخصصی با اعضای دارای بالاترین تخصص در زمینه مربوط در عین تعهد است. در چنین مجلسی، هر طرح یا لایحه صرفاً در کمیسیون (های) مرتبط بررسی و در نهایت تصویب یا رد می‌شود. نمایندگان هر کمیسیون از طرف رأی‌دهندگان با حداقل تخصص مربوط انتخاب می‌شوند. برای نمونه، اعضای کمیسیون اقتصادی این مجلس با رأی دانش‌آموختگان علوم اقتصادی (افراد دارای مدرک کارشناسی اقتصاد و بالاتر) مشخص خواهد شد.

این مجلس تخصصی می‌تواند با تقویت نگاه تخصصی، ملی و بلندمدت به مسائل کلان کشور، تا حدود زیادی مشکلات شناختی و انگیزشی اقتصاد سیاسی دموکراتیک را کاهش دهد. البته نمایندگان مجلس تخصصی نیز کمابیش منافع شخصی، گروهی خود را دنبال می‌کنند و پس از ورود به مجلس به دنبال حفظ قدرت در دوره‌های متوالی هستند. برای کاستن از این مشکل می‌توان فرایند نظارت بر نمایندگان را با استفاده از ابزارهایی همچون شفاف‌کردن رأی نمایندگان برای متخصصان رأی‌دهنده ایجاد کرد. برای جلوگیری از نگاه نمایندگان هر کمیسیون به منافع صنفی نیز می‌توان ساختار نظارتی کمیسیون‌های مختلف بر یکدیگر را ایجاد کرد. بر این اساس، می‌توان هیئت رئیسه را متشکل از رؤسای تمام کمیسیون‌ها در نظر گرفت؛ به شکلی که مصوبات کمیسیون‌ها را مجدداً بررسی و عدم مغایرت آن با منافع ملی را تأیید کند.

مجلس تخصصی می‌تواند به‌عنوان جایگزین مجلس فعلی و یا در کنار آن ایجاد شود. تفکیک مجلس سنا و عوام مشابه تفکیک مجلس تخصصی و عمومی است. براساس استدلال بوکانان و تالوک نظام دو مجلسی رویکردی مؤثر برای کاهش مشکلات اقتصاد سیاسی است. از نظر ایشان، برای دستیابی به نتایج مجلس دو پارلمانی در قانون‌گذاری یک مجلسی، می‌توان قاعده سه‌چهارمی اکثریت تحت شرایط خاص را الزامی کرد (بوکانان و تالوک، ۱۳۹۴: صص ۲۵۶-۲۵۵).

برای بهبود عملکرد مجلس تخصصی، می‌توان از سازوکارهایی همچون افزایش شفافیت

آرا، افزایش دوره نمایندگی و رأی‌گیری تناسبی استفاده کرد: تقویت شفافیت آرای کمیسیون‌های تخصصی برای رأی‌دهندگان متخصص به بهبود کارکرد مجلس تخصصی می‌انجامد. در این صورت، جامعه علمی توان قضاوتی کارشناسانه در مورد عملکرد نماینده منتخب خود را دارد. افزایش دوره نمایندگی به شش سال و شناورکردن برخی کرسی‌های نمایندگی راهکار دیگری برای کاهش بیشتر هزینه کسب اطلاعات است. بر این اساس، نمایندگان پس از انتخاب به سه گروه تاحدامکان مساوی تقسیم شوند. کرسی‌های گروه اول تا سوم به ترتیب در پایان سال‌های دوم، چهارم و ششم خالی شود؛ به طوری که بتوان هر دو سال یک‌سوم نمایندگان را انتخاب کرد. در این صورت جامعه علمی در هر انتخابات نیاز به بررسی عملکرد یک‌سوم نمایندگان را دارد. بر این اساس، هزینه اطلاع از عملکرد نمایندگان نیز به یک‌سوم کاهش می‌یابد. این شیوه موجب کاهش تنش و تغییر ناگهانی در ترکیب نمایندگان می‌شود.

در شکل دوم مجلسی، اگر مصوبات مجلس عمومی مشروط به تصویب در مجلس تخصصی شود، این اقدام باعث کاستن از اشتباهات غیرتخصصی مجلس عمومی می‌شود. دادن رأی اعتماد به وزرا، استیضاح و یا سؤال از آن‌ها را نیز می‌توان به کمیسیون‌های مجلس تخصصی واگذار کرد. جهت امکان ورود طیف‌های مختلف علمی به این مجلس، روش رأی‌گیری تناسبی در انتخابات این مجلس به کار گرفته شود. ارزش رأی افراد در انتخابات این مجلس می‌تواند متناسب با سطح علمی ایشان تعریف شود.

دوم: تقویت احزاب

یکی دیگر از راهبردهای حل مشکل انتخاب عمومی در اقتصاد سیاسی دموکراتیک تقویت احزاب است. قاعدتاً احزاب چون حیات سیاسی بلندمدت‌تری نسبت به افراد دارند، منافع ملی را مقدم بر منافع منطقه‌ای می‌دانند و نگاه بلندمدت‌تری به مسائل دارند. احزاب قوی، برای بررسی مسائل به صورت تخصصی کمیته‌های کارشناسی در اختیار دارند، پس هزینه کارشناسی تصمیم‌ها در احزاب به مراتب کمتر از افراد است.

یکی از راهکارهای مطرح‌شده برای تقویت احزاب تجمیع حوزه‌های انتخابیه و رفتن به سمت انتخابات استانی است. این رویکرد علی‌رغم برخی مزیت‌ها، می‌تواند به مشکلات دیگری همچون کاهش حضور مردم در انتخابات، ظهور مشکلات اقتصاد سیاسی در عرصه استانی و تضعیف عدالت انتخاباتی بینجامد.

سوم: تشکیل کمیسیون‌های تخصصی پشتیبان

در حال حاضر، نمایندگان مجلس در قالب کمیسیون‌هایی به شکل تخصصی به تدوین و بررسی طرح‌ها و لوایح قانونی می‌پردازند. تصمیم‌های این کمیسیون‌ها برای تصویب نهایی در صحن علنی مجلس مطرح می‌شود. یکی از مشکلات وضعیت فعلی این است که اعضای هر کمیسیون الزاماً از تخصص کافی در آن حوزه تخصصی برخوردار نیستند. به واسطه کمبود برخی تخصص‌ها، نمایندگان ممکن است مجبور به عضویت در کمیسیونی شوند که سنخیت چندانی با آن ندارند. این مشکل از آن جهت بروز می‌کند که در نظام کنونی انتخابات کشور، انتخاب نمایندگان براساس نیاز کمیسیون‌های تخصصی صورت نمی‌گیرد.

برای حل این مشکل می‌توان ذیل هریک از کمیسیون‌های تخصصی موجود، کمیسیون تخصصی پشتیبانی متشکل از خبره‌ترین متخصصان آن حوزه تشکیل داد. اعضای این کمیسیون پیش از بررسی طرح‌ها و لوایح در کمیسیون تخصصی کنونی، به بررسی آن می‌پردازند و دیدگاه‌های تخصصی خود را ارائه می‌دهند. برای نمونه، زیر بخش کمیسیون اقتصادی مجلس، کمیسیونی از اقتصاددانان برجسته کشور به عنوان بازوی کارشناسی کمیسیون اصلی مجلس تشکیل می‌شود. اعضای این کمیسیون پشتیبان را می‌توان با رأی مستقیم خود اقتصاددانان انتخاب کرد. اگر کمیسیون‌های تخصصی پشتیبان دارای حق رأی باشند، این امر می‌تواند موجب تقویت دایره اثرگذاری آن‌ها شود. حتی اگر این کمیسیون تخصصی به عنوان بازوی مشورتی کمیسیون اصلی در نظر گرفته شود، چنین اقدامی می‌تواند به بهبود تصمیم‌های نمایندگان کمک کند.

در ساختار کنونی مجلس، مرکز پژوهش‌های مجلس، کارشناسان مدعو دستگاه‌های مختلف و کارشناسان مدعو نمایندگان به عنوان بازوی مشورتی نمایندگان در کمیسیون‌ها عمل می‌کنند. فقدان سازوکار مؤثر در این باره و عدم ثبات در بدنه کارشناسان باعث می‌شود که چنین نظام مشورتی چندان کارآمد نباشد. تشکیل کمیته‌های تخصصی پشتیبان می‌تواند به شکلی سازمان‌یافته به نمایندگان کمیسیون‌ها کمک کند که پیش از بحث در مورد طرح‌ها و لوایح، از نظر تخصصی بالاترین خبرگان مطرح در آن موضوع بهره‌مند شوند. به نظر می‌رسد که مرکز پژوهش‌های مجلس بتواند به عنوان بازوی تحقیقاتی و اجرایی کمیسیون‌های تخصصی پشتیبان عمل کند.

برای تقویت بُعد نظارتی نظام قانون‌گذاری، باید بتوان نوعی سازگاری بین ابعاد نظارتی و اجرایی مجلس در تعامل با قوه مجریه و قضاییه ایجاد کرد. ایجاد وحدت رویه در زمینه مقابله با مفاسد و جرائم اقتصادی بین سه قوه ضرورتی اساسی برای کل نظام حکمرانی بخش عمومی است. در این زمینه باید نوعی همگرایی بین نهادهای نظارتی همچون دیوان محاسبات (وابسته به قوه

مقننه)، سازمان بازرسی کل کشور (وابسته به قوه قضاییه) و سازمان حسابرسی (وابسته به وزارت امور اقتصاد و دارایی) ایجاد کرد.

ج- ساختارهای اجرایی

یکی از مشکلات موجود در نظام حکمرانی در قوه مجریه تغییر و تحول در انتخاب‌های عمومی پس از تغییر و تحول دولت‌هاست. در طول چهار دهه گذشته، با تغییر دولت‌ها برخی انتخاب‌های عمومی دستخوش تغییرات ناسازگار شده است. نمونه واضح این مسئله را می‌توان در سیاست‌های اجرایشده در زمینه مسکن مشاهده کرد. در دولت‌های نهم و دهم، طرح مسکن مهر به‌عنوان طرحی اساسی به مرحله اجرا درآمد. در مقابل، رویکردی کاملاً متفاوت در دولت‌های یازدهم و دوازدهم نسبت به این طرح اتخاذ شد. همین ناهماهنگی در تصمیم‌گیری باعث شد که بخش مسکن به‌عنوان یکی از بخش‌های پیشران در اقتصاد کشور با مشکلات زیادی روبه‌رو شود.

بخش دیگری از مشکلات نظام حکمرانی قوه مجریه کشور تمایل به اجرای سیاست‌هایی است که بتواند به انتخاب مجدد دولتمردان کمک کند. این رویکرد عمده‌تاً در انتهای دوره اول ریاست جمهوری منتخبان رخ می‌دهد؛ چراکه ایشان می‌توانند برای دوره چهارساله دوم نیز بر مسند حکومت بنشینند. آنان از ابزارهای سیاست پولی برای تأمین بودجه انبساطی استفاده می‌کنند؛ پدیده‌ای که موجب افزایش نقدینگی و تورم می‌شود.

یکی از ایده‌هایی که برای ایجاد ثبات در نظام حکمرانی قوه مجریه مطرح شده، تقویت استقلال بانک مرکزی است. ادعا می‌شود که با تقویت استقلال بانک مرکزی، دولت‌ها نمی‌توانند ابزارهای سیاست پولی را برای انتخاب مجدد خود به خدمت بگیرند. هرچند ایده استقلال بانک مرکزی می‌تواند به این هدف کمک کند، باید به این نکته توجه داشت که چنین استقلالی در خدمت منافع عمومی قرار گیرد. استقلال بانک مرکزی از دولت به شرطی می‌تواند موجب بهبود انتخاب‌های عمومی شود که بانک مرکزی از استقلال کافی نسبت به بانک‌ها و قدرت‌های اقتصادی نیز برخوردار باشد. اگر بانک مرکزی از دولت مستقل شود ولی تحت تسلط بانک‌ها به‌ویژه بانک‌های خصوصی قرار گیرد، چنین استقلالی باعث انتخاب‌های عمومی خوب نمی‌شود.

یکی دیگر از مشکلات در نظام حکمرانی قوه مجریه ناهماهنگی بین وزارتخانه‌ها به‌ویژه وزارتخانه‌های همسو است. برای نمونه، ناهماهنگی بین وزارتخانه‌های اقتصاد، جهاد کشاورزی و صمت (صنعت، معدن و تجارت) در سال‌های اخیر باعث شده است که نوعی ناهماهنگی در عرضه نهاده‌های دامی شکل بگیرد و همین امر موجب کمبود عرضه برخی محصولات پروتئینی

و نوسان قیمتی شدید آن‌ها شود. کاستن از این مشکل از طرفی مستلزم ایجاد سازوکارهایی برای تقویت تعامل میان وزارتخانه‌های همسوسو به‌ویژه وزارتخانه‌های اقتصادی و ازسوی دیگر، نیازمند ایجاد ارتباط بین نهادهای پژوهشی این نهادهاست. هم‌اکنون ارتباط وثیقی بین نهادهای پژوهشی وزارتخانه‌های اقتصادی وجود ندارد.

۱۵. قواعد حکمرانی بخش عمومی

مراد از قواعد حکمرانی بخش عمومی قواعد ناظر به شیوه حکمرانی (تدبیر امور عمومی) است که بتواند انتخاب‌های عمومی را به شکلی پایدار و باثبات در خدمت مصالح عمومی قرار دهد. در ادبیات حکمرانی، این قواعد به‌طور معمول در ضمن شاخص‌های حکمرانی خوب بیان می‌شود (عرب یار محمدی و اسماعیلی خوشمردان، ۱۳۹۹: صص ۸-۶). قواعدی که در ادامه ارائه می‌شود عمدتاً ناظر به انتخاب عمومی در ساختار حکمرانی بخش عمومی و با توجه به آسیب‌شناسی صورت‌گرفته و در چهارچوب اندیشه اسلامی است.

۱. توازن اقتصادی: مقابله اساسی با مشکل انتخاب عمومی در ساختار اقتصاد سیاسی زمانی میسر است که نظام اقتصاد سیاسی تولید نابرابری و ایجاد قله‌های ثروت نکند؛ چراکه ایجاد قله‌های ثروت می‌تواند حتی توازن در نظام تصمیم‌گیری بخش عمومی را نیز برهم بزند. تحقق این هدف مستلزم از بین بردن زمینه‌های رانت از جمله در حوزه انفال و ثروت‌های عمومی با استفاده از راهبردهایی همچون حفظ مالکیت عمومی ثروت‌های طبیعی و واگذاری حق بهره‌برداری و مدیریت آن به مردم است. در این راستا، شهید صدر قواعدی را در زمینه توزیع قبل/پس از تولید و بازتوزیع درآمد و ثروت مطرح می‌کند. این قواعد که در ادامه آمده، نه تنها زمینه‌ساز عدالت توزیعی می‌شود، بلکه به تحقق توازن در فضای اقتصاد سیاسی نیز کمک می‌کند.

قواعد حکمرانی ناظر به توازن اقتصادی در بخش عمومی اسلامی عبارت‌اند از: ۱. منابع ثروت‌های طبیعی در مالکیت عموم قرار دارد و تنها کار مستقیم (به‌صورت مباشر) سبب ایجاد حق خاص بهره‌برداری از آن می‌شود. ۲. تنها حیازت، به معنای کار مستقیم به‌صورت مباشر، باعث ملکیت ثروت‌های منقول طبیعی می‌شود. ۳. تولید برای خدمت به انسان است، نه اینکه انسان در خدمت تولید باشد. ۴. در تولید اولیه ثروت‌های به‌دست‌آمده براساس دو معیار کار و نیاز توزیع می‌شود و تمامی شیوه‌های تولید مبتنی بر سرمایه ریشه‌کن می‌شود. ۵. در تولید ثانویه، ثروت در ملکیت عامل تولید اولیه باقی می‌ماند؛ مگر آنکه در ضمن توافق او با دیگری، ملکیتش به دیگری منتقل شود. ۶. اجرت ابزار تولید و کار باید به‌منظور از بین بردن تأثیر کمیابی ساختگی

ناشی از احتکار، ازسوی دولت معین شود. ۷. در صورت به خطر افتادن توازن اجتماعی در شرایط خاص، دولت باید براساس اختیارات خود سیاست‌های مناسبی برای ایجاد و حفظ توازن اجتماعی اتخاذ کند. ۸. از احتکار و ذخیره‌سازی پول تقد باید جلوگیری کرد. ۹. کسب و کاری که موجب ارزش انباشته برای پول نقد می‌شود به خاطر مشتمل بودن بر بهره‌ربوی باید ممنوع شود. ۱۰. سیاست‌های اقتصادی دولت اسلامی باید با هدف کاهش فاصله میان تولیدکننده و مصرف‌کننده و از بین بردن درآمد حاصل از مبادله گسسته از تولید و فاقد عنصر کار اعمال شود. ۱۱. سطح زندگی فرد نباید از سطح رفاه عمومی جامعه بسیار بالاتر باشد؛ دولت باید با اتخاذ تمهیداتی، از ایجاد چنین وضعیتی و تحقق اسراف جلوگیری کند. ۱۲. دولت باید عناصر ثابت اقتصاد اسلامی را اجرا و عناصر متغیر را نیز مطابق با شاخصه‌های کلی اسلامی معین کند. ۱۳. دولت با عملیاتی کردن عناصر ثابت و متغیر اقتصاد اسلامی باید چند هدف را تحقق بخشد: الف) ایجاد تأمین اجتماعی به گونه‌ای که برای تمامی افراد جامعه سطح حداقلی از رفاه تضمین شود؛ ب) ایجاد توازن اجتماعی در سطح زندگی افراد با نزدیک کردن بین سطح زندگی افراد، جلوگیری از احتکار و تمرکز اموال در دست عده‌ای محدود؛ ج) بهره‌برداری حداکثری از اموال عمومی همراه با اتخاذ سیاست کلی در جهت رشد اقتصادی؛ د) تلاش مستمر در جهت نزدیک کردن قیمت کالاها و گونه‌های مختلف کار به سمت ارزش حقیقی مبادله‌ای آن از طریق جلوگیری از انحصار در تمامی عرصه‌های زندگی اقتصادی (صدر، ۱۳۸۲: صص ۱۱۴-۸۲).

۲. شفافیت اطلاعات: شفافیت اطلاعات می‌تواند مانع از بروز بسیاری از مشکلات انتخاب عمومی در ساختار حکمرانی اقتصاد سیاسی شود. مراد از شفافیت اطلاعات، تنها در اموری همچون رأی نمایندگان مجلس نیست، بلکه شامل شفافیت اقتصادی نیز می‌شود. وجود شفافیت در امور مالی شفافیت، با رعایت حریم خصوصی افراد، زمینه‌برخی مفسد اقتصادی را به واسطه امکان نظارت عمومی و رسانه‌ای از بین می‌برد.

۳. تعلیم و تهذیب اقتصادی: در نگرش اسلامی، مقابله با مشکلات انتخاب عمومی با اصلاحات ساختاری محض امکان‌پذیر نیست. اگر این اصلاحات همراه با تعلیم و تهذیب اقتصادی نباشد، امکان انحراف افراد از مصالح عمومی وجود دارد. اسلام در نگاه تربیتی خود حتی هنگامی که از پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌و آله و سلم) می‌خواهد که از مردم زکات بگیرد، هدف از آن را تطهیر و تزکیه افراد اعلام می‌کند (توبه: ۱۰۳). تصمیم‌گیران بخش عمومی همواره نیازمند تعلیم و تهذیب اقتصادی هستند؛ برای تحقق این هدف باید ساختارهای مناسب را نیز طراحی و ایجاد کرد.

۴. نظارت عمومی: اسلام نهاد امر به معروف و نهی از منکر را به‌عنوان نهادی برای حفظ جامعه از آسیب‌های پیش‌رو معرفی کرده است. امر به معروف و نهی از منکر اقتصادی می‌تواند مانع از انتخاب‌های عمومی بد توسط حاکمان در بخش عمومی شود. در شرایط کنونی، رسانه‌ها ابزاری قوی برای امر به معروف و نهی از منکر اقتصادی محسوب می‌شوند. استفاده از قواعدی همانند قاعده سوت‌زنی و تشویق افشاکنندگان فساد می‌تواند بر عمق نظارت عمومی بیفزاید.

۱۶. نتیجه‌گیری

نظام جمهوری اسلامی با استقرار مردم‌سالاری دینی دستاوردهای زیادی در حوزه اداره کشور داشته است. با وجود این، بروز برخی مشکلات اقتصاد سیاسی در فضای دموکراتیک بخش عمومی از اثربخشی انتخاب‌های عمومی کاسته است. در این زمینه با مشکلاتی همچون غلبه نگاه منطقه‌ای در برخی تصمیم‌های نمایندگان مجلس و ظهور لابی‌گری بین نمایندگان مجلس و کارگزاران عالی‌رتبه دولتی برای جذب بیشتر بودجه‌ها و امکانات عمومی به سمت حوزه‌های انتخابیه مواجه هستیم. افتتاح برخی طرح‌های عمرانی در برخی حوزه‌های انتخابیه بدون رعایت استانداردهای مربوط همچون احداث کارخانه‌های آب‌بر در مناطق کویری و افزایش طرح‌های نیمه‌کاره تا حدود زیادی ناشی از مشکلات اقتصاد سیاسی در فضای چانه‌زنی بین نمایندگان و دولت است.

مشکلات انتخاب عمومی کشور تا حدود زیادی ریشه در ساختار نظام حکمرانی بخش عمومی کشور دارد. در ساختار موجود که نوعی نظام مردم‌سالاری دینی است هم رأی‌دهندگان و هم منتخبان با مشکلات شناختی (اطلاعاتی) و انگیزشی روبه‌رو هستند. از یک‌سو، رأی‌دهندگان شناخت کاملی از کاندیداها ندارند و بیشتر خواستار تأمین منافع منطقه‌ای هستند؛ از سوی دیگر، کاندیداها نیز از مشکلات شناختی و انگیزشی رنج می‌برند. مشکلات انگیزشی با توجه به تعارض منافع بخشی از جمله بین قوه مقننه و مجریه تشدید می‌شود.

برای مقابله با مشکلات انتخاب عمومی چاره‌ای جز اصلاح و بهبود نظام حکمرانی بخش عمومی نیست. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که نظام حکمرانی مطلوب بخش عمومی در اقتصاد اسلامی نوعی نظام حکمرانی ولایی است که در آن حاکمیت افراد صالح و باتقوا منجر به کاستن از مشکلات انتخاب در بخش عمومی می‌شود.

اجرای کردن الگوی حکمرانی ولایی نیازمند اتخاذ راهبردهایی است که بتواند هم بعد مردمی نظام حکمرانی و هم بعد ولایی و حاکمیت صالحان را تقویت کند. براساس مبانی حکمرانی مطلوب در اقتصاد اسلامی و همچنین اصول حاکم بر آن، اسلام تلاش می‌کند تا با تربیت

توحیدی آحاد جامعه و قاعده‌گذاری و ساختارسازی نظام حکمرانی ولایی، مانع از بروز مشکلات انتخاب عمومی در نظام حکمرانی جامعه اسلامی شود. شرط تقوا و عدالت برای ولی فقیه، نوعی قاعده‌گذاری در نظام حکمرانی ولایی است که مانع از آن شود که والی جامعه اسلامی مصالح عمومی را در انتخاب‌های خود در نظر نگیرد. نهاد امر به معروف و نهی از منکر نیز از جمله نهادهای اسلامی برای جلوگیری از انحراف نظام حکمرانی بخش عمومی در جامعه اسلامی است. در این مقاله راهبردهایی برای بهبود ساختار نظام حکمرانی بخش عمومی کشور در قالب ساختارهای ثبات‌ساز، قانون‌گذاری و نظارت و اجرایی و همچنین برخی قواعد ارائه شد. ایجاد مجلس تخصصی، تقویت احزاب و تشکیل کمیسیون‌های تخصصی پشتیبان سه پیشنهادی بود که به منظور کاهش انتخاب عمومی در نظام پارلمانی کشور مطرح شد. پیشنهادهایی نیز برای تقویت نظام حکمرانی ولایی در بخش اجرا ارائه شد.

باید توجه داشت که رسیدن به الگوی حکمرانی مطلوب در بخش عمومی کشور و تدوین نقشه اجرایی آن نیازمند تحقیقات پر دامنه و بین‌رشته‌ای است. در این زمینه باید از متخصصان رشته‌های مختلف از جمله اقتصاد، سیاست و حقوق استفاده کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

۱. آسم اغلو، دارون؛ رابینسون، جیمز. ۱۳۹۲. «نقش نهادها در رشد و توسعه اقتصادی». نهادها و توسعه. ترجمه محمود متوسلی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲. اسنودن، برایان؛ هوارد، آر. وین. ۱۳۹۲. اقتصاد کلان جدید: منشأ سیر تحول و وضعیت کنونی. ترجمه منصور خلیلی عراقی و علی سوری. تهران: سمت.
۳. امامقلی‌پور، سارا؛ آسمانه، زهرا. ۱۳۹۵. «شاخص حکمرانی در اسلام و تأثیر آن بر برون‌دادهای سلامت در ایران». اقتصاد و بانکداری اسلامی. شماره ۱۵. صص ۹۳-۱۰۸.
۴. باردهان، پرناز. ۱۳۹۲. «نهادها و توسعه». نهادها و توسعه. ترجمه محمود متوسلی، مصطفی سمیعی نسب و علی نیکونستی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع). صص ۴۱۰-۴۰۱.
۵. باهنر، محمدرضا. ۱۳۹۶. «گفت‌وگوی مشروح نماینده با باهنر». ماهنامه نماینده.
۶. بوکانان، جمیز؛ تالوک، گوردون. ۱۳۹۴. محاسبه رضایت: مبانی منطقی دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی. ترجمه غلامرضا آزاد و امیر آزاد. تهران: نشر نی.
۷. بوکانان، جمیز. ۱۳۸۶. «قانون اساسی سیاست اقتصادی». اقتصاد سیاسی. ترجمه جعفر خواهان. شماره ۵ و ۶. صص ۷-۲۰.
۸. پژویان، جمشید. ۱۳۸۵. «به‌مثابه یک ضرورت برای توسعه اقتصادی: به‌سوی ساختار سیاست‌سازی و سیاست‌گذاری اقتصادی». راهبرد یاس. شماره ۱۰۶. صص ۱۴۸-۱۳۹.
۹. پورکاظمی، محمدحسین؛ درویشی، باقر؛ شهیکی‌تاش، محمدنبی. ۱۳۸۶. «سیکل‌های تجاری سیاسی (مطالعه موردی کشور ایران)». اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی). شماره ۱۵. صص ۱۶۰-۱۳۷.
۱۰. تستری، ابو محمد سهل بن عبدالله. ۱۴۲۳. تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد. ۱۳۶۶. غررالحکم و دررالکلم. قم: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
۱۲. توکلی، احمد. ۱۳۸۰. بازار- دولت کامیابی‌ها و ناکامی‌ها. تهران: سمت.
۱۳. توکلی، محمد جواد. ۱۳۹۳. «بررسی تطبیقی نظریه‌ها و مدل‌های رفتار عام‌المنفعه در اقتصاد متعارف و اسلامی». جستارهای اقتصاد ایران. شماره ۲۲. صص ۹۳-۶۷.
۱۴. _____ . ۱۴۰۰. «چشم‌اندازهای عقلانیت محدود در اقتصاد اسلامی». مطالعات اقتصاد اسلامی. شماره ۲۶. صص ۲۱۰-۱۸۱.
۱۵. جعفر بن محمد علیه‌السلام. ۱۴۰۰. مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه. بیروت: مؤسسه

الاعلمی للمطبوعات.

۱۶. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۹. ولایت فقیه: ولایت فقاہت و عدالت. قم: اسراء.
۱۷. _____ ۱۳۸۳. توحید در قرآن. قم: اسراء.
۱۸. _____ ۱۳۹۶. شمیم ولایت. قم: اسراء.
۱۹. الحمیری القمی، ابوالعباس عبدالله بن جعفر. ۱۴۱۳. قرب الاسناد. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
۲۰. حسن زاده آملی، حسن. ۱۳۷۱. ولایت تکوینی. قم: قیام.
۲۱. حیدری، محمدرضا. ۱۳۸۴. «اندازه دولت: وضع موجود وضع مطلوب». فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق. شماره ۲۷. صص ۹۱-۱۱۴.
۲۲. خضری، محمد؛ رنانی، محسن. ۱۳۸۳. «رانت جویی و هزینه‌های اجتماعی آن». نامه مفید. شماره ۴۵. صص ۸۰-۴۵.
۲۳. خضری، محمد. ۱۳۸۷. «اقتصاد سیاسی رانت جویی در بودجه‌ریزی دولتی ایران». پژوهشنامه علوم سیاسی. شماره ۱۲. صص ۳۹-۷۲.
۲۴. درازن، آلن. ۱۳۹۰. اقتصاد سیاسی اقتصاد کلان. ترجمه جعفر خیرخواهان. تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
۲۵. درگاهی، حسن. ۱۳۹۷. «اصلاح حکمرانی اقتصادی در ساختار سیاسی ایران؛ تحلیلی بر برون‌رفت از مشکلات اقتصادی کشور: چه باید کرد؟». تجارت فردا. شماره ۲۷۱.
۲۶. دین‌پرست، فائز؛ ساعی، علی. ۱۳۹۳. «مطالعه موانع پارلمانی توسعه اقتصاد ملی در ایران (۱۳۶۸-۱۳۸۴)». پژوهش‌نامه علوم سیاسی. شماره ۳۶. صص ۷۲-۲۳.
۲۷. دین‌پرست، فائز. ۱۳۹۵ الف. پارلمان و توسعه اقتصاد ملی در ایران. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲۸. _____ ۱۳۹۵ ب. «تحلیل کنش‌های نمایندگان مجلس شورای اسلامی از منظر سیاست‌های عمومی دولت». دولت‌پژوهی. شماره ۸. صص ۱-۵۸.
۲۹. رز-اکرم، سوزان. ۱۳۸۶. «فساد سیاسی و ساختارهای دموکراتیک». اقتصاد سیاسی فساد (کالبد شکافی مفاصد اقتصادی سیاستمداران). کی. جی. آرویند. ترجمه علی بختیاری‌زاده. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۰. _____ ۱۳۸۴. فساد و دولت: علت‌ها پیامدها و اصلاح. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: پردیس دانش.

۳۱. ریچارد، رز. ۱۳۹۰. دایرةالمعارف بین‌المللی انتخابات. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: میزان.
۳۲. سبحانی، جعفر. ۱۴۰۷ق. مفاهیم القرآن. قم: مؤسسه سید الشهدا العلمیه.
۳۳. شرلی، ماری. ۱۳۹۲. «نهادها و توسعه». نهادها و توسعه. ترجمه محمود متوسلی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع). صص ۴۰۰-۳۵۳.
۳۴. صدر، محمدباقر. ۱۳۹۹. خلافة الانسان و شهادة الانبياء. تهران: جهاد البناء.
۳۵. طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۴۱۷. المیزان فی تفسیر القرآن. قم: نشر جامعه مدرسین.
۳۶. عرب یار محمدی، جواد؛ اسماعیلی خوشمردان، علی. ۱۳۹۹. شاخص‌های حکمرانی خوب و ارزیابی وضعیت ایران. پژوهشکده امور اقتصادی وزارت اقتصاد و دارایی.
۳۷. قربانی، علی. ۱۳۹۶. «عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس: ۷۰ هزار پروژه عمرانی در کشور ناتمام است». خبرگزاری ایرنا، تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۳/۱۷.
<http://www.irna.ir/fa/News/82743028>.
۳۸. مجلسی، محمد تقی. ۱۴۰۳ق. بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۹. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۷۷. حقوق و سیاست در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۴۰. _____ بی‌تا. آموزش عقاید (دوره سه‌جلدی). تهران: نشر بین‌الملل.
۴۱. نورث، داگلاس. ۱۳۹۲الف. «اقتصاد نهادی جدید و توسعه جهان سوم». نهادها و توسعه. ترجمه محمود متوسلی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۴۲. _____ ۱۳۹۲ب. «درک فرایند تحول اقتصادی». نهادها و توسعه. ترجمه محمود متوسلی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۴۳. _____ ۱۳۹۳. «عملکرد اقتصادی در طول زمان». نگاهی به رویکردهای بدیل: نهادگرایی و مکتب اتریش. ترجمه محمود متوسلی، مصطفی سمیعی نسب و علی نیکونستی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۴۴. _____ ۱۳۷۷. نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی. ترجمه محمدرضا معینی. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
۴۵. نیلی، مسعود. ۱۳۸۷. دولت و رشد اقتصادی در ایران. تهران: نشر نی.
۴۶. «ولایت تشریحی». ۲۰۲۰. بازیابی از ویکی‌شعبه: <https://b2n.ir/349602>.
۴۷. «ولایت تکوینی». ۲۰۲۱. بازیابی از ویکی‌شعبه: <https://b2n.ir/644650>.

48. Alesina, Alberto. 1987. "Macroeconomic Policy in a Two-Party System as a Repeated Game." *The Quarterly Journal of Economics*. Pp 651-678.
49. Alesina, Alberto. 1988. "Macroeconomics And Politics." National Bureau of Economic Research. Pp 13-62.
50. Amy, Douglas J. 2000. *Behind the Ballot Box, A Citizen's Guide to Voting Systems*, Westport, Connecticut, Praeger.
51. Chapra, M. Umer. 2008. "Ibn Khaldun's theory of development: Does it help explain the low performance of the present-day Muslim world?". *Journal of Socio-Economics* 37(2). Pp 836-863.
52. Downs, A. 1957. *An Economic Theory of Democracy*. New York: Harper & Row.
53. Frey, Bruno S. 1987. *Modern political economy*. London: Martin Robertson.
54. Gwartney, J., & Stroup, P. 1987. *Economics, Private and Puublic Choice. USA, HBJ*.
55. Gwartney, J.D., and P.L. Stroup. 1987. *Economics, Private and Puublic Choice. USA, HBJ*.
56. Hibbs, Douglas A. 1977. "Political Parties and Macro Economic Policy." *American Political Science Review*.
57. Kalt, joseph p., and mark a. zupan. 1984. "Capture and ideology in the economic theory of politics", *American economics review* 74. Pp 79-300.
58. Meier, Gerald M. 1995. *Leading Issues in Economic Development*. 6th. oxford: oxford university press.
59. Milner, C. 1996. *Interest Groups and Policy Formulation*. Greenaway et al.
60. Nordhaus, William. 1975. "The Political Business Cycle." *Review of Economic Studies* 42. Pp 169-190.
61. Wicksell, Knut. 1896. "A New Principle of Just Taxation". Edited by R. A. Musgrave and A. T. Peacock. Pp 72-118.

